

رویکرد دیوان اروپایی حقوق بشر در تبیین مفهوم مصالح عالیۀ کودک در رابطه با حق زندگی خانوادگی در رویه‌های پناهندگی (پژوهشی)

احمد رضا آذرپندار *

(DOI) : 10.22066/cilamag.2025.2058966.2729

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰

چکیده

با توجه به گسیل گسترده پناجویان به اتحادیه اروپا در سال‌های اخیر و با در نظر داشتن این نکته که مصالح عالیۀ کودک در کلیۀ اقدام‌ها، خصوصاً در رابطه با رویه‌های پناهندگی، باید به‌عنوان ملاحظه اولیه در نظر گرفته شود، رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر در تبیین مفهوم مصالح عالیۀ کودک در این رویه‌ها بسیار پراهمیت تلقی می‌شود. اما این سؤال مطرح می‌شود که دیوان چگونه مفهوم مصالح عالیۀ کودک را در رابطه با حق زندگی خانوادگی در رویه‌های پناهندگی تفسیر و تبیین نموده است؟ در این رابطه، دیوان ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را با توجه به استثنائات مطرح در مورد این ماده تفسیر کرده است. بر همین مبنا، دیوان در تفسیر ماده ۸ مبنی بر حق زندگی خانوادگی بیان می‌دارد که ممکن است کودک در صورتی که حقوق و آزادی‌های دیگران در خطر باشد، از حق زندگی خانوادگی محروم شود؛ با این حال، این محرومیت از حق، صرفاً زمانی ممکن است با اصل مصالح عالیۀ کودک همسو باشد که اولاً بدون تبعیض صورت پذیرفته باشد؛ ثانیاً ضرورت داشته باشد و ثالثاً عمل محدود نمودن حق زندگی خانوادگی با حقوق و آزادی‌هایی که از دیگران سلب شده است، تناسب داشته باشد.

واژگان کلیدی

دیوان اروپایی حقوق بشر، مصالح عالیۀ کودک، رویه‌های پناهندگی، حق زندگی خانوادگی

مقدمه

ورود کودکان پناهجو به دولت‌های عضو اتحادیه اروپا، به‌ویژه در پی بحران‌های اخیر مهاجرتی همچون جنگ سوریه، افغانستان و اوکراین، اهمیت تبیین «مصالح عالیۀ کودک» (Best Interests of the Child) را به منظور تضمین حقوق کودک، بیش از پیش آشکار ساخته است. بر اساس آمار آژانس پناهندگی اتحادیه اروپا (EUAA) در ۲۰۲۴، بیش از ۳۰٪ متقاضیان پناهندگی در اتحادیه اروپا، افراد زیر ۱۸ سال هستند که بسیاری از آن‌ها بدون همراه و در معرض خطرات شدیدی نظیر قاچاق انسان، خشونت و بهره‌کشی قرار دارند^۱ که این امر می‌تواند تأثیرات به‌سزایی بر رفاه و سلامت کودک داشته باشد.^۲

این واقعیت، لزوم توجه به اصل مصالح عالیۀ کودک به‌عنوان ملاحظۀ اولیه در کلیۀ اقدامات مربوط به کودکان را نه‌تنها به‌عنوان تعهد اخلاقی، بلکه به‌عنوان الزام حقوقی برجسته می‌کند. اصل مصالح عالیۀ کودک به‌عنوان اصل هنجاری کلیدی، نقش محوری در تصمیم‌گیری‌های قضایی و سیاست‌گذاری‌های مرتبط با کودکان ایفا می‌کند.^۳ دیوان اروپایی حقوق بشر به‌عنوان نهادی پیشرو در تفسیر و اجرای کنوانسیون اروپایی حقوق بشر،^۴ با دیدگاهی موسع و پیش‌رونده^۵ در رویه‌های قضایی خود به‌ویژه در پرونده‌های مرتبط با پناهندگی و مهاجرت، همواره تلاش کرده است تا تعادل ظریفی میان حق دولت‌ها در کنترل مرزها و حق بنیادین افراد، به‌ویژه کودکان در برخورداری از «زندگی خانوادگی» مصرح در ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر برقرار کند.^۶

چالش اصلی در این زمینه، تبیین مفهوم «مصالح عالیۀ کودک» در بستر پیچیده پرونده‌های پناهندگی است که اغلب با عوامل متضادی نظیر امنیت ملی، سیاست‌های مهاجرتی سخت‌گیرانه، و آسیب‌پذیری خاص کودکان روبه‌روست. دیوان در رویه‌های قضایی خود، با استناد به ماده ۸ کنوانسیون و ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک (تأکید بر اولویت مصالح کودک)، رویکردی تحلیلی - ترکیبی اتخاذ

1. European Union Agency for Asylum, "Asylum Report 2024, Annual Report on the Situation of Asylum in the European Union", 43. <https://www.euaa.europa.eu/asylum-report-2024>.

2. Israel Bronstein and Paul Montgomery, "Psychological Distress in Refugee Children: A Systematic Review", *Clinical Child and Family Psychology Review*, 14 (2011), 45-47.

3. UN. Committee on the Rights of the Child, "General comment No. 14 on the right of the child to have his or her best interests taken as a primary consideration (art. 3, para. 1)", paras. 28-29. <https://digitallibrary.un.org/record/778523?v=pdf>.

۴. برای مطالعه بیشتر، ن.ک:

Janneke Gerards, *Principles Governing the Interpretation and Application of Convention Rights*, In *General Principles of the European Convention on Human Rights*, (Cambridge: Cambridge University Press, 2019).

۵. برای مطالعه بیشتر، ن.ک:

Geir Ulfstein, 'Evolutive Interpretation in the Light of Other International Instruments: Law and Legitimacy' in *The European Convention on Human Rights and General International Law*, eds. van Aaken, A. and Motoc, I., (Oxford: Oxford University Press, 2018).

6. European Union Agency for Fundamental Rights (FRA), "European Legal and Policy Framework on Immigration Detention of Children": 48-55. <https://fra.europa.eu/en/publication/2017/european-legal-and-policy-framework-immigration-detention-children>.

کرده است.^۷ دیوان در چندین پرونده، به صراحت اعلام نموده است که دولت‌ها موظف‌اند در تصمیمات مرتبط با اخراج یا تفکیک خانواده‌های پناهجو، ارزیابی مستقلی از تأثیر این اقدامات بر رفاه جسمی و روانی کودک انجام دهند.^۸ با این حال، ابهام در تعیین معیارهای عینی برای سنجش «مصلح عالیۀ» و تنوع رویه‌های ملی در اجرای این اصل، همواره محل مناقشه بوده است.

این مقاله با تکیه بر آرای دیوان اروپایی حقوق بشر و دکتترین می‌کوشد به این پرسش‌ها پاسخ دهد: دیوان چگونه «مصلح عالیۀ کودک» را در تقاطع حق زندگی خانوادگی و سیاست‌های پناهندگی تعریف می‌کند؟ و چه معیارهایی برای سنجش این مصلح در پرونده‌های پیچیده رویه‌های پناهندگی به کار گرفته می‌شود؟

به نظر می‌رسد دیوان اروپایی حقوق بشر، با در نظر گرفتن طیف وسیعی از اسناد و رویۀ دولتی به استثنائات مطرح در اعمال ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر پرداخته است. با توجه به این نکته، هنگامی که دولت‌ها به محدود کردن مواد ۸ کنوانسیون پرداخته‌اند، دیوان حداقل‌هایی را مشخص کرده است که دولت‌ها به منظور اقناع اصل مصلح عالیۀ کودک، نمی‌توانند از آن تخطی کنند.

۱. مفهوم و عناصر مصلح عالیۀ کودک

با اینکه تعریف مشخصی از مصلح عالیۀ کودک ارائه نشده است، بر اساس نظریات کمیته حقوق کودک، تمامی حقوقی که در کنوانسیون مقرر شده است، در راستای «مصلح عالیۀ کودک» سامان یافته و نباید هیچ حقی با تفسیر منفی از مصلح عالیۀ کودک به مخاطره افتد.^۹ به عبارت دیگر، مصلح عالیۀ کودک باید در کلیۀ موضوعات مربوط به کودک یا کودکان اعمال شود. از این رو به واسطه مصلح عالیۀ کودک، چارچوبی با سه نوع تعهد متفاوت برای دولت‌های طرف کنوانسیون ایجاد شده است:

(الف) تعهد به تضمین اینکه مصلح عالیۀ کودک در هر اقدامی که توسط مؤسسات عمومی، مخصوصاً در تمام اقدامات اجرایی، اداری و قضایی صورت پذیرفته و به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر کودکان تأثیر می‌گذارد، به طور مناسب، یکپارچه شده و به صورت مداوم اعمال می‌شود؛

(ب) تعهد به تضمین اینکه در تمام تصمیمات قضایی و اداری و همچنین سیاست‌ها و قوانین مربوط به کودکان، نشان داده شود که مصلح عالیۀ کودک به عنوان ملاحظه اولیه در نظر گرفته شده است. این امر همچنین شامل توصیف چگونگی بررسی و ارزیابی مصلح عالیۀ و وزنی است

7. Ursula Kilkelly, "The Best of Both Worlds for Children's Rights Interpreting the European Convention on Human Rights in the Light of the UN Convention on the Rights of the Child", *Human Rights Quarterly* 23, (2001): 312-318; Ineta Ziemele, "Customary International Law in the Case Law of the European Court of Human Rights – the Method", *The Law & Practice of International Courts and Tribunals* 12, 2 (2013): 250-251.

8. ECtHR, *Mubilanzila Mayeka and Kaniki Mitunga v. Belgium*, Judgement, (App no 13178/03, 12 October 2006) & ECtHR, *Popov v France*, Judgement, App (no 39472/07 and 39474/07) 19 January 2012.

9. UN. Committee on the Rights of the Child, "General comment No. 14 on the right of the child to have his or her best interests taken as a primary consideration (art. 3, para. 1)".

که در تصمیم مربوطه به این اصل، نسبت داده شده است؛

(ج) تعهد به تضمین اینکه مصالح عالیۀ کودک در تصمیمات و اقدامات بخش خصوصی (شامل دستگاه‌های ارائه‌دهنده خدمات) یا هر نهاد یا مؤسسه خصوصی دیگری که تصمیمات آن‌ها به کودکان مربوط می‌شود یا بر روی کودکان تأثیر می‌گذارد، ارزیابی شده و مصالح عالییه به‌عنوان ملاحظه اولیه در نظر گرفته شود.^{۱۰}

از آنجا که مفهوم مصالح عالیۀ کودک، منعطف و نامتعیین است، در تعیین آن باید به عناصر حقوقی مندرج در کنوانسیون برای تبیین آن اهتمام ورزید. بنا به نظر کمیته حقوق کودک، تهیه فهرست غیرجامع و غیرسلسله‌مراتبی از عناصر می‌تواند در ارزیابی مصالح عالیۀ کودک توسط هر تصمیم‌گیرنده‌ای مفید باشد.^{۱۱} ماهیت غیرجامع موجود در فهرست نشان می‌دهد که می‌توان از این عناصر مندرج در این فهرست فراتر رفت و سایر عوامل مرتبط با شرایط خاص کودک یا گروهی از کودکان مدنظر قرار گیرد؛ همچنین با درنظرداشتن شرایط، ممکن است برخی از این عناصر از اهمیت کمتری نسبت به سایر عناصر برخوردار شوند و در بررسی موقعیت‌های خاص، حذف شوند. این فهرست می‌تواند راهنمایی مشخص برای ارزیابی مصالح عالیۀ کودک باشد و در عین حال، انعطاف‌پذیری لازم را نیز ارائه دهد (CRC, 2003: 50).^{۱۲} بر اساس این ملاحظات، کمیته به‌عنوان دستورالعمل، حق مشارکت کودک، حق حفظ محیط خانواده و روابط خانوادگی، مراقبت، حفاظت و ایمنی کودک، درک موقعیت آسیب‌پذیری کودک، حق بر سلامت و حق بر آموزش کودک را به‌عنوان عناصر تبیین‌کننده مصالح عالیۀ کودک بیان نموده است.^{۱۳} در این پژوهش، عناصری که در رابطه با حق بر زندگی خانوادگی در رویه‌های پناهندگی است و یک محکمه قضایی آن را برجسته نموده است، بررسی خواهد شد. بر همین مبنا ابتدا به حق زندگی خانوادگی پرداخته شده و عناصر ارائه‌شده توسط دیوان اروپایی حقوق بشر بیان می‌شود.

۲. حق زندگی خانواده (ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر)

مطابق ماده ۸(۱) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، هر کس حق دارد به زندگی خانوادگی‌اش احترام گذارده شود. دولت‌ها بر مبنای این مقرره، دارای تعهدات سلبی و ایجابی هستند. تعهد سلبی از افراد در مقابل مداخله خودسرانه مقامات دولتی محافظت می‌کند. علاوه بر این، یک تعهد ایجابی برای دولت وجود دارد که احترام مؤثر به زندگی خانوادگی داشته باشد. هنگامی که یک کودک و

10. Ibid., para. 14.

11. Sandra Ferreira, "The Best Interests of the Child: From Complete Indeterminacy to Guidance by the Children's Act", *Journal of Contemporary Roman-Dutch Law* 73 (2010):205.

12. UN. Committee on the Rights of the Child, "General Comment No. 4: Adolescent Health and Development in the Context of the Convention on the Rights of the Child", para. 50. <https://www.ohchr.org/ites/default/files/Documents/Issues/Women/WRGS/Health/GC4.pdf>.

13. UN. Committee on the Rights of the Child, "General comment No. 14 on the right of the child to have his or her best interests taken as a primary consideration (art. 3, para. 1)" paras. 71-78.

والدین از هم جدا می‌شوند، دولت باید اقدام‌هایی را برای همبستگی مجدد کودک با والدینش اتخاذ کند. اما این حق مطلق نیست و ماده ۸(۲) به یک مقام دولتی اجازه می‌دهد این حق را محدود نماید، مشروط بر اینکه این امر مطابق با قانون باشد و در یک جامعه دموکراتیک، برای حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران، ضروری تشخیص داده شود. در این میان باید تعادل منصفانه‌ای میان منافع رقیب فرد و جامعه به‌عنوان یک کل وجود داشته باشد.

دیوان اروپایی حقوق بشر، رویه قضایی خود را در مورد همبستگی خانوادگی در طول دهه‌ها توسعه داده و به دنبال تطبیق اختیارات کنترل مهاجرتی دولت‌ها با حق احترام به زندگی خانوادگی بوده است.^{۱۴} در این رابطه رویه قضایی دیوان، بر اهمیت و اعتبار اصل «مصلح عالیۀ کودک» بسیار تأکید کرده است. مثلاً دیوان در چند پرونده تأکید کرد، در مواردی که همبستگی خانوادگی شامل کودکان می‌شود، مقامات ملی باید مصالح عالیۀ کودک را در رابطه با تطبیق اختیارات کنترل مهاجرتی دولت‌ها با حق زندگی خانوادگی در اولویت قرار دهند.^{۱۵}

حق زندگی خانوادگی در دیوان اروپایی حقوق بشر، به آن دسته از مقررات کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تعلق دارد که باید از آزمون دومرحله‌ای بگذرد. در مرحله اول، دیوان باید مشخص کند که آیا تداخل در حقی که توسط کنوانسیون اروپایی حقوق بشر حمایت می‌شود، وجود دارد یا نه. در صورت تحقق شرط اول، دیوان باید به آزمون دوم پردازد؛ به این معنا که آیا می‌توان توجیهی برای چنین مداخله‌ای ارائه کرد یا نه؟ در آزمون دوم مشخص می‌شود که آیا رفتار مورد شکایت، هدف مشروعی داشته و آیا توسط قانون تجویز شده است؟ بر همین مبنا، دیوان در آرای اولیه به «آزمون ضرورت خاص» اشاره کرده است. معنای این آزمون (ضروری در یک جامعه دموکراتیک) به وسیله دیوان اروپایی حقوق بشر، در رأی *ساندی تایمز* (Sunday Times) تشریح شده است.^{۱۶} در این پرونده، دیوان بیان می‌کند که «ضرورت در یک جامعه دموکراتیک» مستلزم وجود «نیاز فوری اجتماعی» است. با این حال، این مفهوم، با گذر زمان، و با گنجانند آزمون تناسب، به «آزمون تعادل منصفانه»^{۱۷} انجامید. بر اساس این آزمون، دیوان تصمیم می‌گیرد که آیا دولت، تعادل منصفانه‌ای را میان حقوق خواهان و تضاد منافع عمومی و فردی برقرار کرده است یا نه؟

14. Cathryn Costello, *The human rights of migrants and refugees in European law* (Oxford: Oxford University Press, 2015), 103-170; Vincent Chetail and Céline Bauloz (eds), *Research handbook on international law and migration* (United Kingdom: Edward Elgar Publishing Limited, 2014), 194.

15. ECtHR, *Mugenzi v France*, Judgement (App no 52701/09) 10 July 2014, para.45 & 67.

16. شاکیان این پرونده، ناشر روزنامه ملی یکشنبه بریتانیا و آقای *آندرو نیل*، سردبیر آن روزنامه هستند. آن‌ها از دستورهای موقتی که توسط محاکم انگلیسی در مورد انتشار جزئیات کتاب جاسوسی و اطلاعاتی که از نویسنده آن، آقای *پیتز رایت* به دست آمده، شکایت کردند.

17. آزمون تعادل منصفانه در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر نهاده شده است. منطق این اصل از طریق کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، حمایت مؤثر از حقوق بنیادین بشر و ارائه امکانات قابل توجهی به دولت‌ها برای اعمال این حقوق است. از این رو کنوانسیون متضمن تعادل منصفانه میان حمایت از منافع عمومی جامعه و در عین حال، احترام به حقوق بنیادین بشر است. بر همین اساس، دیوان این اختیار را به دولت‌ها داده است تا با حاشیۀ وسیعی به ارزیابی این تعادل بپردازند.

ECtHR, *Sunday Times v The United Kingdom*, Judgement (App no 6538/74), 26 April 1979.

۳. تبیین عناصر مصالح عالیه

به منظور تبیین عناصر مصالح عالیه کودک در زمینه حقوق خانوادگی در رویه‌های پناهندگی، دیوان اروپایی حقوق بشر از جنبه‌های مختلفی بهره می‌جوید؛ به این صورت که اهمیت و وزن منافع موردنظر را بررسی کرده و سپس تصمیم می‌گیرد که کدام یک از اهمیت بیشتری برخوردار است.^{۱۸} سپس دولت‌ها می‌توانند در صورت انطباق با آزمون تعادل منصفانه، اقدام‌هایی در جهت محدودنمودن حق زندگی خانوادگی داشته باشند. از سوی دیگر، آزمون تعادل منصفانه باید اصل «منع تبعیض» را در بر بگیرد. بر همین اساس، دولت‌ها صرفاً هنگامی می‌توانند حق زندگی خانوادگی افراد را محدود کنند که سه اصل «منع تبعیض»، «ضرورت محدودیت» و «تناسب اقدام»، موجه تلقی شود. در این گفتار به این سه اصل پرداخته خواهد شد.

۳-۱. منع تبعیض

دیوان در سال‌های اخیر، احکام متعددی را در زمینه تبعیض در پرونده‌های حق زندگی خانوادگی صادر کرده است. در این احکام، دیوان تمایزات بی‌مورد در زمینه محدودکردن حق زندگی خانوادگی را نفی کرده و آن را مخالف اصل مصالح عالیه کودک می‌داند.

علاوه بر مضامین اصلی عدم تبعیض، دیوان موارد دیگری از تبعیض را برشمرده است که در هنگام تصمیم‌گیری پیرامون حق زندگی خانوادگی باید لحاظ شوند. نخستین مورد عدم تبعیض که در پرونده *بیانو* علیه دانمارک بیان شده است، تبعیض میان قومیت‌ها با توجه به مدت طولانی کسب تابعیت در برخی کشورهای اروپایی است. مطابق قانون دانمارک، صرفاً کسانی که به مدت ۲۸ سال تابعیت دانمارکی داشتند، اجازه می‌یافتند از حق همبستگی خانوادگی استفاده کرده، سایر اشخاص خانواده را با خود همبسته نمایند.^{۱۹} بر همین مبنا درخواست شاکی مبنی بر همبستگی با کودک خود نادیده انگاشته شد. دیوان در این رابطه بیان نمود که عملکرد قوانین دانمارکی تبعیض غیرمستقیم بر اساس قومیت ایجاد می‌کند. سپس اضافه کرد که «هیچ تفاوتی در رفتار مبتنی بر

18. Gerards, J. (2008), 'Judicial Deliberations in the European Court of Human Rights' in Huls, N., Adams, M. and Bomhoff, J. (eds), *The Legitimacy of Highest Courts' Rulings*, Asser Institute, p.11.

19. پرونده *بیانو* علیه دانمارک، مربوط به شکایت شاکیان در مورد امتناع مقامات دانمارکی از اعطای همبستگی خانوادگی در دانمارک بود. آقای *بیانو* یک شهروند دانمارکی با اصالت توگویی بود که با یک تبعه غنایی ازدواج کرده بود. آن‌ها در سوئد زندگی می‌کردند و یک پسر داشتند که به دلیل تابعیت پدرش، تابع دانمارک بود. درخواست آن‌ها برای اجازه اقامت در دانمارک و در نتیجه همبستگی خانوادگی در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ رد شد. دیوان عالی دانمارک نیز چنین رد درخواستی را در ژانویه ۲۰۱۰ تأیید کرد. در محضر دیوان اروپایی حقوق بشر، شاکیان ادعا کردند که در اعمال ضمیمه ارائه‌شده توسط قانون اتباع خارجی دانمارک، مورد تبعیض غیرمستقیم قرار گرفته‌اند.

ECtHR, *I.A.A and Others v the United Kingdom*, Judgement (App no 25960/13), 8 March 2016.

منشأ قومی یک فرد، در یک جامعه دموکراتیک معاصر قابل توجیه نیست»^{۲۰} و حق زندگی خانوادگی مطابق ماده ۸ باید برقرار شود.

مورد بعدی عدم تبعیض در موارد زندگی خانوادگی، نوع اجازه اقامت پناهندگان است؛ به این معنا که میان اجازه اقامت محدود و اقامت دائم، هیچ تفاوتی در زندگی خانوادگی ایجاد نمی‌کند و کلیه اشخاص می‌توانند از این حق، چه در اقامت محدود و چه در اقامت دائم بهره‌مند شوند. در پرونده نیدزویکی علیه آلمان،^{۲۱} دیوان اعلام نمود که نمی‌تواند دلایل کافی برای توجیه تفاوت رفتار میان افراد غیراتباع در مورد دسترسی به مزایای کودک را صرفاً بر اساس نوع اجازه اقامت مشخص کند.^{۲۲} علاوه بر این، دیوان بیان کرد تا آنجا که هدف تمایز، محدودکردن اعطای کمک‌هزینه کودک به بیگانگانی است که احتمالاً به‌طور دائم در آلمان بمانند، معیارهای اعمال شده برای دستیابی به این هدف نامناسب است، چرا که اقامت محدود شخص، مبنای کافی برای پیش‌بینی مدت اقامت وی در آلمان نخواهد بود. در این پرونده دیوان اعلام نمود که دلایل کافی برای توجیه رفتار متفاوت در رابطه با اعطای مزایا به کودکان بیگانه‌ای که دارای مجوز اقامت ثابت هستند و افرادی که دارای مجوز اقامت محدود هستند، پیدا نکرده است؛ از این رو رفتار متفاوت، ماده ۸ کنوانسیون را نقض می‌کند و اصل مصالح عالیه را نادیده می‌گیرد.^{۲۳}

قضیه هد و عبدی علیه بریتانیا^{۲۴} به تفاوت رفتار میان پناهندگانی که پس از سفر ازدواج کرده‌اند و سایر مهاجرانی که حق همبستگی خانوادگی را دارند، مربوط می‌شود. بریتانیا تلاش کرده بود تا استدلال کند با کارگران و دانشجویان مهاجر، بهتر رفتار می‌کند و به دنبال تلاش برای جذب آن‌ها در بریتانیا است، در حالی که پناهندگان را صرفاً به‌عنوان تعهد بین‌المللی می‌پذیرد و به دنبال رقابت با سایر کشورها به منظور جذب آن‌ها نیست. دیوان در این قضیه اعلام نمود، پناهندگانی که با همسرانشان پس از آغاز سفرشان آشنا می‌شوند، صرف‌نظر از زمان عقد ازدواجشان، به‌طور مشابه

20. Ibid., para. 94.

۲۱. شاکی در این پرونده در فوریه ۱۹۸۷ به آلمان مهاجرت کرد. درخواست پناهندگی وی رد شد، با این حال، اخراج وی بر اساس توافق وزرا به حالت تعلیق درآمد. در نوامبر ۱۹۸۹ متقاضی اجازه اقامت موقت را دریافت کرد. در ژانویه ۱۹۹۱ پس از اصلاح قانون اتباع بیگانگان، به او عنوان اقامت محدود برای مقاصد استثنایی صادر شد که هر دو سال نیاز به تمدید داشت. در ژوئیه ۱۹۹۵ دختر شاکی متولد شد. وی در همان سال برای دریافت مزایای کودک به اداره کار درخواست داد اما اداره فدرال کار، درخواست او را رد کرد.

22. ECtHR, *Tuquabo-Tekle and Others v the Netherlands*, Judgement (App no 60665/00), 1 December 2005, paras. 27-33.

23. Ibid., paras. 9 & 33.

۲۴. در این پرونده، شاکی در ۲۰۰۶ در انگلستان پناهندگی اخذ کرد و به مدت ۵ سال اقامت به وی تعلق گرفت. در ۲۰۰۷ با همسر خود در جیبوتی ازدواج کرد. همسر وی برای همبستگی با شوهرش درخواست ویزا از انگلستان کرد. این درخواست رد شد زیرا قوانین همبستگی مجدد خانوادگی، صرفاً برای همسرانی اعمال می‌شد که پیش از ترک کشور پناهنده، بخشی از خانواده او را تشکیل می‌دادند. شاکیان ادعا می‌کردند که در رابطه با برخورداری از حقوق خود مطابق ماده ۸ با سایر افراد دارای اقامت موقت (دانشجویان و کارگران) که می‌توانستند بدون توجه به ازدواج قبلی یا بعدی به آن‌ها ملحق شوند، رفتار متفاوتی وجود داشته است.

با وضعیت دانشجویان و کارگران مهاجر قرار می‌گیرند. این شباهت، ریشه در این واقعیت دارد که دانشجویان و کارگرانی که همسرانشان حق همبستگی با ایشان را داشتند، معمولاً مدت محدودی اجازه ماندن در بریتانیا داشته‌اند و بر همین مبنا آن‌ها نیز موقعیت مشابهی همچون متقاضیان دیگر خواهند داشت.^{۲۵} بریتانیا در این پرونده نتوانست نشان دهد که این تفاوت در رفتار، هدف مشروعی را دنبال می‌کند تا چنین تفاوتی توجیه شود.^{۲۶} بر مبنای این پرونده، هیچ تمایزی به‌صرف اینکه ازدواج اشخاص، پیش، در طول و پس از سفر رخ داده باشد، هیچ تأثیری بر حق زندگی خانوادگی نخواهد داشت و کلیه این اشخاص می‌توانند از حق زندگی خانوادگی خود برخوردار شوند.

۳-۲. ضرورت

موضوع حمایت از حق زندگی خانوادگی، اغلب در پرونده‌های بازداشت پناهندگان رخ می‌دهد. در این رابطه مهم‌ترین مسئله این است که آیا اعضای خانواده باید در هنگام اعمال حکم بازداشت از یکدیگر جدا شوند؟ و در این صورت آیا کودک باید در مرکزی که عمدتاً برای بزرگسالان ایجاد شده است، مستقر شود یا خیر. در پرونده پوپوف، دیوان بررسی کرد که آیا بازداشت یک خانواده و دو کودک آن‌ها در یک بازداشتگاه با کنوانسیون سازگار است یا نه. بررسی الزام ضرورت، جزء اصلی بررسی بود. دیوان تأکید کرد، هنگامی که مقامات ملی تعادل منصفانه‌ای میان منافع رقیب برقرار می‌کنند، بسیار مهم است که کنوانسیون‌های بین‌المللی را در نظر داشته باشند.^{۲۷} با توجه به محدودیت‌های ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، آزمون ضرورت ایجاب می‌کند که هدف از حبس افراد باید متناسب با دلیل حکم حبس باشد.^{۲۸}

علاوه بر «حبس»، دلایل دیگری نیز وجود دارند که باید عنصر ضرورت در آن لحاظ شود. در پرونده عاصم حسنعلی علیه دانمارک (Assem Hassan Ali v Denmark)،^{۲۹} دیوان بیان نمود صرفاً هنگامی می‌توان حکم اخراج والدین را صادر کرد که این امر در یک جامعه دموکراتیک، ضرورت

25. ECtHR, *Hode and Abdi v. the United Kingdom*, Judgement (Application No. 22341/09) 6 November 2012, para. 50.

26. Ibid., para. 36.

27. ECtHR, *Popov v France*, Judgement (App no 39472/07 and 39474/07), 19 January 2012, para. 139.

28. Ibid., para. 140.

۲۹. شاکي در ۱۹۹۷ با يك زن دانماركي با اصالت فلسطيني ازدواج و سپس با وي در دانمارك زندگي كرد. حاصل اين ازدواج تا ۲۰۰۱ كه از يكديگر جدا شدند، سه كودك بود كه شاكی ارتباطش را با كودكان خود حفظ كرد. در ۲۰۰۲، متقاضی با يك زن عراقی ازدواج كرد كه تا ۲۰۰۹ از اين همسرش نیز صاحب سه فرزند شد. در آوريل ۲۰۰۸ شاكی به دليل جرايم مرتبط با مواد مخدر به پنج سال حبس محكوم شد و با توجه به وخامت جنايت، دستور اخراج متقاضی با ممنوعيت دائمي بازگشت وی صادر شد. شاكی در حين گذراندن دوران محكوميتش درخواست پناهندي كرد و بيان داشت چنانچه اخراج شود، ارتباطش با فرزندان قطع خواهد شد. اداره مهاجرت، درخواست پناهندي را در ۲۰۰۱ رد كرد و سپس دادگاه تجديدنظر نیز در ۳۱ اکتبر درخواست وی را بار دیگر رد کرد.

داشته باشد. در میان این معیارها، مصالح عالیۀ کودک به گونه‌ای ظاهر می‌شود که باید با توجه به جدیت مشکلات پیش روی کودکان در کشوری که به آن منتقل می‌شوند، بررسی شود. در چارچوب اخراج بر اساس جرمی که توسط والدین ارتکاب یافته است، مصالح عالیۀ کودک همچنان باید ملاحظۀ اولیه باشد. در پروندۀ مورد بحث، دیوان اظهار داشت که ماهیت و شدت جرم، ممکن است اخراج را توجیه کند. در نتیجۀ دیوان دریافت که مقامات دانمارکی حق زندگی خانوادگی خواهان را نقض نکرده‌اند، چرا که مصالح عالیۀ کودکان تحت تأثیر اخراج وی قرار نگرفته است و ضرورت منافع دولت در حفظ نظم عمومی، بر همبستگی خانوادگی کودک ارجحیت می‌یابد.^{۳۰}

در پروندۀ *سالک بردی علیه اسپانیا*،^{۳۱} دیوان باز بر «ضرورت» محدود نمودن زندگی خانوادگی تأکید و در ابتدا بیان کرد که رابطۀ میان خانم *سالک بردی* و دخترش حتی اگر آن‌ها در واقعیت از یکدیگر جدا شده باشند، تحت تعریف زندگی خانوادگی مندرج در ماده ۸ کنوانسیون قرار می‌گیرد. همچنین دیوان مشاهده کرد که حق مادر برای همبستگی مجدد با کودکش، برای کشورها «تعهد ایجابی» ایجاد کرده است تا اقدام‌هایی را برای تحقق این هدف انجام دهند. دیوان بر همین اساس، رویه قضایی اسپانیا به منظور عدم توجه به درخواست مادر برای بازگرداندن کودک را غیرعادلانه تشخیص داد. با این حال و علی‌رغم غیرعادلانه بودن رویه قضایی اسپانیا، دیوان با بررسی مصالح عالیۀ کودک بیان می‌کند ضرورت در این پروندۀ ایجاب می‌کرده است، کودک با خانوادۀ سرپرست بماند، چرا که در طول سال‌ها اقامت کودک، روابط محکمی میان او و خانوادۀ سرپرست برقرار شده است و همچنین کودک ابراز تمایل می‌کند که با همان خانواده بماند. در چنین موردی که مصالح مختلف به‌سختی می‌توانند با یکدیگر سازگار شوند، مصالح عالیۀ کودک باید عالی‌ترین ملاحظه باشد.

با بررسی این دو پروندۀ، این نتیجۀ حاصل می‌شود، با اینکه مصالح عالیۀ در اکثر موارد با زندگی خانوادگی گره خورده است، ممکن است در شرایطی زندگی خانوادگی در جهت مصالح عالیۀ کودک نباشد و منافع دولتی با اهمیت بالاتر یا سایر حقوق کودک موجب نقض حق زندگی خانوادگی شود. این امر باید منطبق با ماده ۹(۱) کنوانسیون حقوق کودک تفسیر شود که بیان می‌دارد

30. ECtHR, *Assem Hassan Ali v Denmark*, Judgement (App no 25593/14) 23 October 2018, paras. 45, 54-57 & 61-63.

۳۱. شاکی در این پروندۀ، *کنانا محمد سالک بردی*، یک فرد بدون تابعیت در کمپ‌های پناهندگان الجزایر زندگی می‌کرد. در ۲۰۰۲ دختر نه سالۀ او برای تعطیلات با یک خانوادۀ میزبان به اسپانیا رفت و بیش از دو سال در اسپانیا ماندگار شد. در مارس ۲۰۰۴ به مقامات اسپانیایی اطلاع داده شد که خانم *سالک بردی* به دنبال بازگرداندن فرزندش است. در مه ۲۰۰۴ اداره حضانت از کودکان زیر سن قانونی تصمیم به انتقال کودک به کمپ *تندروف* گرفت. با این حال، در حکمی در ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۵ قاضی امور خانوادۀ *مورسیا* به‌طور موقت، حضانت کودک را به خانوادۀ سرپرست اسپانیایی اعطا کرد تا تحقیقات لازم را برای شناسایی خانوادۀ بیولوژیکی صورت دهد. در ژوئن ۲۰۰۶ شاکی به اسپانیا رفت و به‌عنوان یک طرف دادرسی در دادگاه حضور یافت. در تصمیم قاضی در ۳۰ آوریل ۲۰۰۷، سرپرستی دختر به خانوادۀ سرپرست اعطا شد، چرا که او ۱۵ سال داشت و تمایل خود را برای ماندن در خانوادۀ سرپرست ابراز کرده بود.

ECtHR, *Saleck Bardi v Spain*, Judgement (App no 66167/09), 24 May 2011.

«دولت‌های طرف کنوانسیون، تضمین خواهند کرد که یک کودک از والدین خود برخلاف اراده آن‌ها جدا نخواهد شد، مگر آنکه مقامات صالح، منوط به بررسی قضایی و در مطابقت با حقوق و رویه‌های قابل اعمال تشخیص دهند که چنین جدایی برای مصالح عالیۀ کودک ضروری باشد».

۳-۳. تناسب

با این حال، منع تبعیض و ضرورت، تنها عناصر موردنظر در رویه‌های پناهندگی در رابطه با حق زندگی خانوادگی کودک نیستند. چنانچه دولت مجبور شود حق زندگی خانوادگی در رویه‌های پناهندگی را نادیده بگیرد، این تصمیم باید با درنظرداشتن عنصر تناسب باشد.

با توجه به اینکه تأثیرپذیری کودکان در سنین پایین، بسیار متفاوت و سریع‌تر نسبت به بزرگسالان است، نیاز است تا با سرعت مناسب به قضایای مربوط به زندگی خانوادگی کودک پرداخته شود و این امر در درجه اول اصل تناسب قرار می‌گیرد. در قضیۀ موگنزی علیه فرانسه،^{۳۲} دیوان در مورد یک پروندۀ همبستگی خانوادگی تصمیم‌گیری می‌کرد. دیوان محتوای پروندۀ پوپوف را بار دیگر تکرار و بیان کرد در چنین مواردی، هنگامی که توازن منافع انجام می‌شود و تصمیم‌گیری در رابطه با کودکان اتخاذ می‌شود، مصالح عالیۀ ایشان باید در هنگام بررسی تناسب، ملاحظۀ اولیه باشد. دیوان اعلام کرد که علی‌رغم این واقعیت که ضمانت‌های رویه‌ای صریحی در ماده ۸ وجود ندارد، فرآیند تصمیم‌گیری که منجر به محدودشدن یک حق می‌شود، نیاز به رعایت منافی دارد که توسط ماده ۸ محافظت می‌شود. دیوان به این نتیجه رسید که تعادل منصفانه‌ای میان منافع مختلف در خطر برقرار نشده است و از این رو بیان داشت که ماده ۸ کنوانسیون نقض شده است.

از سوی دیگر در پروندۀ *الغانت علیه سوئیس*،^{۳۳} ادعای متقاضیان برای الحاق خانواده توسط

۳۲. در این پرونده، فرزندان آقای موگنزی با استفاده از ارزیابی سنی از طریق معاینۀ حفرة دهانی، واجد شرایط کودک‌بودن نبودند و از این رو مستحق دریافت همبستگی مجدد خانوادگی تشخیص داده نشدند. پس از دریافت رأی، آقای موگنزی در آوریل ۲۰۰۷ درخواستی را به شورای دولتی ارائه کرد. او با ادعای اینکه کودکانش در رواندا ضریبۀ روحی تجربه کرده‌اند، در ژانویۀ ۲۰۰۸ تقاضای رسیدگی فوری به درخواست خود کرد. در ماه بعد، شورای دولتی این فوریت را رد کرد و بیان داشت که کودکان یا بزرگسال هستند یا به‌زودی بزرگسال می‌شوند. پس از طی این مراحل، شاکی با استناد به ماده ۸ ادعا نمود که امتناع مقامات کنسولی از صدور روایید برای کودکانش به منظور همبستگی خانوادگی، حق احترام به زندگی خانوادگی وی را نقض کرده است.
ECtHR, *Mugenzi v France*, Judgement (App no 52701/09) 10 July 2014.

۳۳. این پرونده مربوط به یک تبعۀ مصری است که از سوئیس درخواست پناهندگی کرده بود و پسرش را در مصر، پیش مادر بزرگ و پدر بزرگش گذاشته بود. اولین درخواست پناهندگی وی رد شد، با این حال، وی پس از ازدواج با یک تبعۀ سوئیس، اجازه اقامت و سپس تابعیت سوئیسی را دریافت کرد. این زوج در طول ازدواج دارای یک دختر شدند و در نهایت از یکدیگر جدا شدند. پدر برای اولین بار در ۲۰۰۳ درخواست همبستگی خانوادگی با پسرش داد که پذیرفته شد. با این حال، پسر به مصر بازگشت. دومین درخواست پدر برای همبستگی در ۲۰۰۶ رد شد. به گفته دیوان عالی فدرال سوئیس، پسر شاکی روابط نزدیک‌تری با مصر داشت. در این رابطه،

مقامات سوئیسی، بر اساس این نتیجه که کودک دارای روابط خانوادگی نزدیک‌تر در کشور خاستگاه خود - مصر - است، رد شد.^{۳۴} در این پرونده، دیوان مکرراً یافته‌های خود را در پرونده I.A.A و دیگران علیه بریتانیا تکرار نمود. در این پرونده تصریح شده است که مصالح عالیه کودک نمی‌تواند به عنوان «برگ برنده» استفاده شود که کودکان را قادر سازد در هر کشوری پذیرفته شوند که یکی از اعضای خانواده‌اش در آنجا زندگی می‌کنند. از این رو دیوان به اهمیت انجام ارزیابی مصالح عالیه بر مبنای مورد به مورد و بر اساس تعیین اصل تناسب اشاره کرد.^{۳۵} نکته قابل ذکر آن است که همواره مصالح عالیه کودک با حضور در اتحادیه اروپا برقرار نمی‌شود و ممکن است مصالح عالیه کودک در کشور خاستگاه کودک که حتی کمتر از اتحادیه اروپا حقوق کودک را رعایت می‌کنند، برقرار شود.

همچنین دیوان در پرونده رودریگ داسیلوا علیه هلند،^{۳۶} هنگام یافتن نقض حق مادر برای زندگی خانوادگی، اهمیت زیادی به مصالح عالیه کودک داد، چرا که دولت اسپانیا نمی‌توانست با در نظر داشتن حق مادر برای زندگی خانوادگی و اقامت در هلند، با دسترسی به دخترش برخلاف منافع اقتصادی دولت، تعادل عادلانه‌ای میان منافع رقیب برقرار سازد. به عنوان یک عنصر اساسی برای رسیدن به نتیجه، دیوان اعلام کرد که در طول بررسی مقامات در مورد اخراج مادر، مصالح عالیه کودک به عنوان عامل اصلی و ملاحظه اولیه در نظر گرفته نشده است و در عوض به رفاه اقتصادی کشور، بیشترین اهمیت داده شده و از همین رو اصل تناسب نادیده گرفته شده است. در نتیجه دیوان نقض ماده ۸ کنوانسیون را احراز کرد.^{۳۷}

نتیجه

ورود کودکان پناهجو به اتحادیه اروپا در سال‌های اخیر، ضرورت توجه به اصل «مصالح عالیه کودک» را به عنوان محور تصمیم‌گیری‌های حقوقی و سیاستی برجسته کرده است. دیوان اروپایی حقوق بشر با تکیه بر ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک، رویکردی تحلیلی

پدر و پسر، درخواستی را به دیوان اروپایی حقوق بشر ارائه کردند و بیان داشتند که رد درخواست آن‌ها برای همبستگی خانوادگی توسط مقامات سوئیسی، حق آن‌ها را برای احترام به زندگی خانوادگی مطابق با ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نقض می‌کند. ECtHR, *El Ghatet v Switzerland*, Judgement (App no 56971/10) 8 February 2017.

34. Stephanie A. Motz, *Family Reunification for Refugees in Switzerland Legal Framework and Strategic Considerations*, (Switzerland: Miscellaneous, 2017), 31-33.

35. ECtHR, *I.A.A and Others v the United Kingdom*, Judgement (App no 25960/13) 8 March 2016, paras. 46-47 & 53-54.

۳۶. شاکی یک مادر برزیلی است که در ۱۹۹۴ به هلند آمد و با یک تبعه هلندی ازدواج کرد اما برای اجازه اقامت، اقدامی نکرد. در ۱۹۹۶ آن‌ها صاحب یک دختر شدند که ملیت هلندی به وی اعطا شده بود. در ۱۹۹۷ آن‌ها از هم جدا شدند و دختر نزد پدرش ماند. در نهایت، دادگاه هلند تأیید کرد که در جهت مصالح عالیه اوست که با پدر و خانواده‌اش در هلند بماند، حتی اگر این امر به معنای جدایی از مادرش باشد. اما در عمل، مراقبت از او میان مادر، پدر بزرگ و مادر بزرگ پدری تقسیم شده بود. اگرچه حق دختر برای اقامت در هلند و بزرگ شدن و آموزش در نظر گرفته شده بود، چون مادر مالیات یا سهم تأمین اجتماعی را پرداخت نکرده بود، وزارت دادگستری بیان داشت که منافع رفاه اقتصادی کشور بر منافع مادر برتری دارد.

37. ECtHR, *Rodrigues da Silva v the Netherlands*, Judgement (App no 50435/99) 31 January 2006.

را در تعریف این اصل اتخاذ کرده است. در آرای هی‌چون موگنری علیه فرانسه و رودریگز داسیلوا علیه هلند، دیوان نشان داده است که مصالح کودک باید در تعادل میان منافع عمومی نظیر امنیت ملی و حقوق بنیادین کودکان، اولویت داشته باشد. این نهاد با تأکید بر «آزمون تعادل منصفانه»، از دولت‌ها می‌خواهد تا تأثیر تصمیمات خود بر سلامت جسمی و روانی کودکان را مستقلاً نه ارزیابی کنند و تنها در مواردی که منافع عمومی قاطعانه غالب است، محدودیت‌ها را توجیه کنند.

با این حال، اجرای این اصل با چالش‌های عمده‌ای روبه‌روست. نخست، نبود تعریف عینی و جهانی از «مصالح عالیۀ کودک»، موجب تفسیرهای متناقض توسط دولت‌ها شده است. برای نمونه، در پرونده‌*لغات* علیه سوئیس، استدلال دولت مبنی بر تأمین مصالح کودک در کشور خاستگاه، نادیده گرفتن آسیب‌پذیری‌های خاص کودکان پناهجو را به همراه داشت. دوم، تعارض منافع میان حفظ نظم عمومی و حقوق کودکان، به‌ویژه در موارد اخراج والدین مجرم، همواره تصمیم‌گیری را پیچیده می‌کند. افزون بر این، ناهماهنگی در سیاست‌های مهاجرتی کشورهای عضو اتحادیه اروپا، نابرابری در حمایت از کودکان را تشدید کرده است.

بر همین مبنا برای ایجاد رویۀ منسجم و مشترک، به حداقل‌هایی نیاز است که با استفاده از رویۀ دیوان می‌توان به سه محدودیت حداقلی اشاره کرد که باید در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌ها لحاظ شود. در این رابطه در صورتی که الزام دولت مبنی بر عدول از حق زندگی خانوادگی کودک باشد، این عدول در درجۀ اول باید بر مبنای عدم تبعیض صورت پذیرد؛ به این معنا که میان کودکان از لحاظ رنگ، جنس، خاستگاه و سایر موارد ممنوعه، تبعیضی برقرار نشود. همچنین این عدول از حق زندگی خانوادگی باید متناسب با خطری که ایجاد می‌شود، صورت پذیرد. و در درجۀ آخر، عدول از حق زندگی خانوادگی باید به‌عنوان آخرین مرحله مدنظر قرار گرفته و ضرورت آن قطعی باشد.

در پایان لازم است بیان شود برای تقویت جایگاه مصالح عالیۀ کودک، تدوین دستورالعمل‌های مشترک در سطح اتحادیه اروپا ضروری است. این دستورالعمل‌ها باید معیارهای حداقلی مانند سن کودک، وابستگی عاطفی و خطرات بازگشت به کشور مبدأ را پوشش دهد. آموزش تخصصی مقامات ملی در زمینه حقوق کودک، ایجاد نهادهای نظارتی مستقل برای بررسی شرایط کودکان در مراکز پذیرش و تقویت همکاری بین‌المللی برای پیشگیری از قاچاق انسان، از دیگر راهکارهای کلیدی هستند. این اقدامات می‌توانند تضمین کنند که ارزیابی مصالح کودک، مبتنی بر واقعیت‌های عینی و فارغ از پیش‌داوری‌های ساختاری باشد. در نهایت، تحقق حقوق کودکان پناهجو مستلزم تحولی بنیادین در نگرش سیاستمداران و نهادهای اروپایی است. اگرچه دیوان اروپایی حقوق بشر، گام‌های بلندی در نهادهایسازی مصالح عالیۀ کودک برداشته، تبدیل این اصل به واقعیتی عینی، نیازمند اولویت‌دادن انسان‌مداری بر کنترل مرزهاست. تنها با اتخاذ سیاست‌های یکپارچه و مبتنی بر عدالت می‌توان امیدوار بود که کودکان پناهجو، نه به‌عنوان «آمار مهاجرتی»، بلکه به‌عنوان دارندگان حقوق بشری مورد حمایت قرار گیرند.

منابع:

- Books

1. Chetail, Vincent and Bauloz, Céline (eds), *Research handbook on international law and migration*, United Kingdom: Edward Elgar Publishing Limited, 2014.
2. Costello, Cathryn, *The human rights of migrants and refugees in European law* Oxford: Oxford University Press, 2015.
3. Gerards, Janneke, "Judicial Deliberations in the European Court of Human Rights" in *The Legitimacy of Highest Courts' Rulings*, edited by Nick Huls, Jacco Bomhoff, and Maurice Adams, 407-437, The Hague, T.M.C Asser Institute, 2009.
4. Gerards, Janneke, *General Principles of the European Convention on Human Rights*, Cambridge: Cambridge University Press, 2019.
5. Ulfstein, G., "Evolutive Interpretation in the Light of Other International Instruments: Law and Legitimacy" in *The European Convention on Human Rights and General International Law*, edited by Anne Van Aaken and Iulia Motoc, 83-94, Oxford, Oxford University Press, 2018.

- Articles

1. Bronstein, Israel and Paul Montgomery, "Psychological Distress in Refugee Children: A Systematic Review", *Clinical Child and Family Psychology Review*, 14 (2011).
2. Ferreira, Sandra, "The Best Interests of the Child: From Complete Indeterminacy to Guidance by the Children's Act", *Journal of Contemporary Roman-Dutch Law* 73, (2010).
3. Kilkelly U., 'The Best of Both Worlds for Children's Rights Interpreting the European Convention on Human Rights in the Light of the UN Convention on the Rights of the Child', No.23, *HRQ* (2001), pp. 308-326.
4. Ziemele, I., 'Customary International Law in the Case Law of the European Court of Human Rights – the Method', No.12, *LAPE*, (2013), pp. 250-251.

- Documents

1. European Union Agency for Asylum, "*Asylum Report 2024, Annual Report on the Situation of Asylum in the European Union*", Malta, June 2024. <https://www.euaa.europa.eu/asylum-report-2024>
2. European Union Agency for Fundamental Rights (FRA), "*European Legal and Policy Framework on Immigration Detention of Children*", Luxembourg, Publications Office of the European Union, 2017 <https://fra.europa.eu/en/publication/2017/european-legal-and-policy-framework-immigration-detention-children>.

3. UN. Committee on the Rights of the Child CRC Committee (2003), “*General Comment No. 4: Adolescent Health and Development in the Context of the Convention on the Rights of the Child*”, 2003. <https://www.ohchr.org/sites/default/files/Documents/Issues/Women/WRGS/Health/GC4.pdf>
4. UN. Committee on the Rights of the Child CRC Committee (2013), “*General comment No. 14 on the right of the child to have his or her best interests taken as a primary consideration (art. 3, para. 1)*”, 29 May 2013, CRC /C/GC/14. <https://digitallibrary.un.org/record/778523?v=pdf>

- Cases

1. ECtHR, *Sunday Times v The United Kingdom* (App no 6538/74,) Judgement, 26 April 1979.
2. ECtHR, *Tuquabo-Tekle and Others v the Netherlands* (App no 60665/00) Judgement, 1 December 2005.
3. ECtHR, *Mubilanzila Mayeka and Kaniki Mitunga v. Belgium* (App no 13178/03) Judgement, 12 October 2006.
4. ECtHR, *Rodrigues da Silva v the Netherlands* (App no 50435/99) Judgement, 31 January 2006.
5. ECtHR, *Saleck Bardi v Spain* (App no 66167/09) Judgement, 24 May 2011.
6. ECtHR, *Hode and Abdi v. the United Kingdom*, (Application No. 22341/09) Judgement, 6 November 2012.
7. ECtHR, *Popov v France* (App nos 39472/07 and 39474/07), 19 January 2012.
8. ECtHR, *Mugenzi v France*, (App no 52701/09) Judgement, 10 July 2014.
9. ECtHR, *I.A.A and Others v the United Kingdom* (App no 25960/13) Judgement, 8 March 2016.
10. ECtHR, *El Ghatet v Switzerland* (App no 56971/10) Judgement, 8 February 2017.
11. ECtHR, *Assem Hassan Ali v Denmark* (App no 25593/14) Judgement, 23 October 2018.